

آشوت آقابابیان

زینت

مترجم: حسین طباطبائی



- 1. ...
- 2. ...
- 3. ...
- 4. ...
- 5. ...
- 6. ...
- 7. ...
- 8. ...
- 9. ...
- 10. ...
- 11. ...
- 12. ...
- 13. ...
- 14. ...
- 15. ...
- 16. ...
- 17. ...
- 18. ...
- 19. ...
- 20. ...
- 21. ...
- 22. ...
- 23. ...
- 24. ...
- 25. ...
- 26. ...
- 27. ...
- 28. ...
- 29. ...
- 30. ...
- 31. ...
- 32. ...
- 33. ...
- 34. ...
- 35. ...
- 36. ...
- 37. ...
- 38. ...
- 39. ...
- 40. ...
- 41. ...
- 42. ...
- 43. ...
- 44. ...
- 45. ...
- 46. ...
- 47. ...
- 48. ...
- 49. ...
- 50. ...
- 51. ...
- 52. ...
- 53. ...
- 54. ...
- 55. ...
- 56. ...
- 57. ...
- 58. ...
- 59. ...
- 60. ...
- 61. ...
- 62. ...
- 63. ...
- 64. ...
- 65. ...
- 66. ...
- 67. ...
- 68. ...
- 69. ...
- 70. ...
- 71. ...
- 72. ...
- 73. ...
- 74. ...
- 75. ...
- 76. ...
- 77. ...
- 78. ...
- 79. ...
- 80. ...
- 81. ...
- 82. ...
- 83. ...
- 84. ...
- 85. ...
- 86. ...
- 87. ...
- 88. ...
- 89. ...
- 90. ...
- 91. ...
- 92. ...
- 93. ...
- 94. ...
- 95. ...
- 96. ...
- 97. ...
- 98. ...
- 99. ...
- 100. ...

فهرست

- گنادی**
- ۹ مسکو، لوبیانکا، فوریه ۱۹۳۱
- ۱۱ شکار جادوگرها
- ۲۹ در راه برلین
- ۳۵ نخستین کامیابی
- ۴۱ روتمان
- ۵۱ سوژه‌های جدید آتوثر و زیس
- ۵۷ ضد جاسوسی فعال می‌شود
- ۶۳ فیلتر
- ۶۹ فراخوانی
- رزیدنت**
- ۸۱ مأموریت جدید
- ۸۳ آن سوی اقیانوس
- ۸۹ نوآوری در عرصه جاسوسی خارجی
- ۱۰۳ شکار جادوگرها ادامه دارد
- ۱۱۳ لاورنتی بریا، رئیس نیروهای امنیت دولتی
- ۱۲۱ انتصاب جدید... یا اولین تصدی
- ۱۲۵ مرکز ایستگاه را تضعیف می‌کند
- ۱۳۷

۳۲۷	باله گایانه در پرم
۳۳۱	آزمایشگاه شماره دو
۳۳۹	«پروژه عظیم» فعال می شود
۳۴۷	چرخش ناگهانی
۳۵۵	عملیات آکسوس
۳۶۱	در زندان برای همه جا هست
۳۶۵	جنگ تمام شد، جنگ شروع می شود
۳۷۳	گمان های بریا تقویت می شود
۳۷۷	رهبر ارکستر باید پارتیتور بداند
۳۸۱	آخرین مرخصی
۳۸۵	کشور در دست کوله ها
۳۹۱	فرمالیست ضد مردمی
۳۹۵	به یاد آوردند
۳۹۹	تولد شوروی اتمی
۴۰۷	زندگی ام چون رویایی آرام گذشت

۱۴۱	دوران خبرچینی
۱۴۷	نیویورک، واشنگتن، کلیولند
۱۵۵	یاکوب گولوس، همان دزووگ
۱۵۹	ناآگاهی و بلاهت
۱۶۵	رئیس جدید، تشویش های قدیم
۱۷۳	کاربرد روش های شما، علیه شما
۱۸۱	این جا، در این کشور من جاسوس هستم
۱۸۷	با هم رها شدن
۱۹۳	و در اروپا جنگ بود
۱۹۷	اولین بار در باره بمب اتمی
۲۰۳	۲۷۷۷ روز روی لبه تیغ
۲۱۳	دستگیری
۲۲۹	در زندان
۲۳۵	آزادی مشروط
۲۳۹	افشای لانه جاسوسی از نوع روسی
۲۴۵	آغاز جنگ
۲۵۱	نمایش حسن نیت
۲۶۳	«پروژه عظیم» چگونه بمب اتم ساخته شد
۲۶۵	آن سوی اقیانوس و در جنوب
۲۷۱	هشت سال بعد
۲۸۳	تلگراف از لندن
۲۹۱	پروژه عظیم
۳۰۱	در مسیر ساخت بمب اتمی
۳۱۱	ایگور گورچاتوف، مدیر برنامه اتمی
۳۱۹	انتصاب جدید

مسکو، لوبیانکا، فوریه ۱۹۳۱

باد و بوران چونان حیوانی گریزان از ذبح دالان‌ها و پس‌کوچه‌ها را پشت سر می‌گذاشت، در روشنای شب می‌لولید و برف‌کوچه‌ها را جمع می‌کرد و روی پنجره‌های یخ‌زده می‌پاشید. شعاع‌های نوری که از پنجره طبقه دوم لوبیانکا می‌تراوید، همچون چشمی خیره بی‌پلک زدنی حتی هیاهوی بی‌قید باد را نگاه می‌کرد. مردی نظامی که پشت پنجره به تماشا ایستاده بود، نگاهش را از خیابان دزدید و دریافت اتاق کارش در دود سیگار گم شده است.

آرتور آرتوزوف، رئیس بخش خارجی اداره سیاسی متحد دولتی که سیگارهای پی‌درپی‌اش را در زیرسیگاری خاموش می‌کرد، دریافت شب از نیمه گذشته است.

از بین پرونده‌های روی میز، پوشه‌ای برداشت و بار دیگر آن را با دقت خواند.

هایک بادالی هواکیمیان: متولد ۱۸۹۸ در خانواده‌ای روستایی در دهکده جهری استان اریوان نخجوان، دوران کودکی‌اش را در شهرهای باتومی و تفلیس گذرانده است. سپس همراه خانواده‌اش به دنی روستوف نقل مکان می‌کند و در آن شهر از آموزش‌شکده فنی فارغ‌التحصیل می‌شود. در ۱۹۱۶ در پژوهشگاه پلی‌تکنیک پذیرفته می‌شود و ترم اول را در این پژوهشگاه به پایان می‌رساند. در ۱۹۱۷

عضو یکی از شاخه‌های حزب کمونیست می‌شود. در جریانات انقلاب اکتبر شرکت می‌کند. حزب، او را به کار در استاوروپول و مینرانلی وادی می‌گمارد. در ۱۹۱۹ به منظور ایجاد دفتر حزب در الکساندرپل، همراه خانواده‌اش به ارمنستان نقل مکان می‌کند و در دپوی ترابری مشغول می‌شود.

وی در سال‌های ۱۹۲۰ در تظاهرات ماه مه بولشویک‌ها شرکت کرده است. حکومت داشناک وقت وی را به همین سبب محاکمه و به حبس طولانی مدت محکوم کرد. هفت ماه بعد به زندان الکساندرپل افتاد. پس از تحکیم حکومت شوروی در ارمنستان از زندان آزاد شد. از ژانویه ۱۹۲۱ در کمیسیون فوق‌العاده ارمنستان اشتغال داشته است. عضو کالج آرمچکا و مدیرکل بخش از بیست‌های او بوده است. به سبب اتهام فردی ناشناس در نامه‌ای از شاخه حزب کنار گذاشته می‌شود ولی پنج ماه بعد تبرئه می‌گردد.

قسمتی از مصوبه ۲۹ نوامبر ۱۹۲۱ کمیته مرکزی حزب کمونیست ارمنستان اتحاد جماهیر شوروی:

جرم اعلام شده‌ی هایدن هوآکیمیان آن است که افسر ارشد دنیکنیان شده و خیانت کرده است. فقط رفتار خشن وی در قبال همکاران محرز دانسته شده است. وی اسرار کمیسیون فوق‌العاده را فاش نکرده است.

تصمیم گرفته شد به سبب اعمال خشونت در سمتی که به آن اشتغال داشته است از مقامش عزل شود.

دبیر کمیته پاکسازی حزب
آرشیو حزبی ایروان

در ۱۹۲۲ هوآکیمیان در شورای حزب کمونیست اتحاد جماهیر شوروی با سمت دبیر مسئول، مشغول کار شده است.

در ۱۹۲۳ حزب، هایدن هوآکیمیان را برای طی دوره آموزشی به مسکو می‌فرستد. وی به شکلی تحسین‌آمیز و موفق از آموزشکده عالی فنی موسوم به باثومان فارغ‌التحصیل می‌شود. مدت یک سال به عنوان مهندس شیمی در یک کارخانه اشتغال داشته است. سپس در پژوهشگاه شیمی مندلیف در مقطع دکتری به ادامه تحصیل پرداخته است. به سبب درخشش علمی، توجهات زیادی را به خود جلب کرده است. پس از دفاع از تز دکترایش به عنوان کاندیدا علوم شیمی شناخته شده است. در دوران تحصیل دو بار جهت کارآموزی به آلمان و ایتالیا رفته است.

به شش زبان ارمنی، گرجی، روسی، انگلیسی، آلمانی و ایتالیایی مسلط است. ازدواج کرده است و یک دختر دارد. همسرش، ورا هامبارتسومی آبوویان، از نوادگان خاچاپور آبوویان، نویسنده معروف ارمنی و پزشک متخصص، است....

رئیس بخش جاسوسی^۱ پرونده را به آرامی بست و زمزمه کرد: «خب! هایدن هوآکیمیان چطور وقت کرده‌اید شش زبان بیاموزید؟ به آلمان و ایتالیا بروید، مدرک دکترا بگیرید و مبتکر نوآوری‌ها و اختراعات متعدد

۱. آرتور کریستیانویچ آرتوزوف (فراژوچی) (۱۸۹۱-۱۹۳۷)؛ در خانواده‌ای مهاجر و سونیسی در شهر دور به دنیا آمد. از پژوهشگاه پلی‌تکنیک سن پترزبورگ فارغ‌التحصیل شد. در انقلاب ۱۹۱۷ و شورش سال ۱۹۱۸ علیه انگلیسی‌ها در آرخانگلسکی شرکت جست. از ۱۹۱۹ عضو نیروهای امنیتی اتحاد جماهیر شوروی بود. معاونت بخش ویژه و مدیر بخش جاسوسی از جمله سمت‌های وی بوده است. در سال‌های ۱۹۳۱ تا ۱۹۳۵ رئیس اداره امنیت خارجی شوروی بوده است. به چهار زبان خارجی تسلط داشت. عملیات معروف «دردس» و «مینیاتک ۲» را به عهده داشته است که به افشا و متلاشی شدن شبکه‌های جاسوسی انگلیسی و لهستانی منجر گردید. به نشان پرچم سرخ و عنوان افتخاری بازرس افتخاری نائل گردید. در ۲۱ اوت ۱۹۳۷ به فرمان یژوف، کمیسر مردمی امور داخلی اتحاد جماهیر شوروی، دستگیر شد و به عنوان یکی از مصادیق «دشمنان خلق» تیرباران گردید. وی بعد از مرگ در هفتم مارس ۱۹۵۶ از اتهامات وارده تبرئه گردید.